



**هادی رضایتی**  
کارگردان فیلم کوتاه  
«تیتان»

**تعامل با نا بازیگر  
برایم جذاب است**

«تیتان» چهارمین ساخته هادی رضایتی، فیلمی ۱۴ دقیقه‌ای و برآمده از داستان‌های فولک شهر تالش است که اولین حضور هادی رضایتی در جشنواره فیلم کوتاه تهران را رقم می‌زند.

و نوشته‌های هرمان ملویل که نویسنده موبیدیک است نیز اقتباس کرده و الهام گرفته‌ام. در مجموع این داستان‌های فولکلوریک و افسانه‌ای که در مردم این منطقه وجود دارد و همچنین افسانه‌های مشابه در سایر جغرافیایها، سبب شد که من از هر کدام، بخش‌هایی را انتخاب و در داستانم استفاده کنم.

**این فیلم چند بازیگر دارد و آیا از نابازیگر نیز در تیم خود استفاده کرده‌اید؟**

بازیگران اصلی این فیلم یک پدر و پسر هستند و چهار مرد روستایی دیگر نیز در فیلم حضور دارند. از میان بازیگران، هیچ بازیگر حرفه‌ای استفاده نشده است و تمامی آن‌ها نابازیگر هستند.

**در زمینه تعامل با نا بازیگران و انتخاب آن‌ها چه مسیر و چالش‌هایی داشتید؟**

برای من جذاب است که با نا بازیگرانی که توانایی دیالوگ گفتن و اکت به شکل حرفه‌ای ندارند کار و تلاش کنم تا بتوانند نقش خود را در فضایی که می‌خواهم به درستی ایفا کنند. علاوه بر آن، در اشل فیلم کوتاه من به گونه‌ای است که نمی‌توانم بازیگران حرفه‌ای غیر بومی را به آن طبیعت و زیست بوم نزدیک کنم چرا که زمان کوتاه است و ممکن است نتوانند کاراکتر را کامل درک کنند اما انسان‌هایی که در آن جغرافیا زندگی می‌کنند و آن طبیعت و زیست بومی را تجربه کرده‌اند به مراتب از لحاظ درک آن موقعیت نزدیک‌تر هستند و نیاز به یکسری راهنمایی‌ها دارند تا بتوانند آن فضا و کاراکتر را درست بازی کنند. البته ممکن است کاراکترها در نهایت آنقدر پخته و آنگونه که بازیگران ایفا می‌کنند از آب در نیاید اما برای من هم نوع پوشش و هم چهره و ظاهری که سختی زیست در آن جغرافیا شکل داده بسیار جذاب‌تر است.

**ژانر فیلم «تیتان» چیست؟**

این فیلم در فضای درام شکل می‌گیرد، اما یک فضای میسترری و عناصر رازآلود بودن نیز در آن وجود دارد. تمام تلاش من این بود که فیلم به سمت ژانر وحشت یا مشابه آن نرود، زیرا این مسئله محوریت داستان من نبود. هدف من شکل‌گیری یک فضای رازآلود و پرسش برانگیز بر ستر یک درام بود.

**سخن پایانی**

نشستن در کنار دیگران و مشاهده فیلم و شنیدن برداشت‌های مخاطبان و این که مردم بدون شناخت از مولف اثر درباره اثر صحبت کنند و پرسش‌هایی برایشان ایجاد شود، تجربه جذابی است. مسلماً همه ما از موفقیت آنچه تولید می‌کنیم، شادمان می‌شویم و من هم از این قضیه بری نیستم و مطمئناً لذت می‌برم که اتفاقات خوبی برای فیلمم بیفتد تا خستگی کارهای انجام شده را برطرف کند.



**آرمین اعتمادی**  
کارگردان فیلم کوتاه  
«ما قبل تاریخ»:

**علاقه و رویای سینما  
همیشه در من وجود داشت**

آرمین اعتمادی که سال ۱۴۰۲ با فیلم «رویای نیمه جان» در این جشنواره حضور داشته این بار با فیلم کوتاه «ما قبل تاریخ» بازگشته است. فیلم «ما قبل تاریخ» هم اکنون در جشنواره ایسفا، خانه سینما نیز حضور دارد و تا این لحظه در سه رشته کاندید شده است. این فیلم که به مسئله فقدان می‌پردازد، سومین بخش از یک سه‌گانه در ژانر درام روانشناختی است.

برای مثال، خانه کاراکتر در خیابان، اتاق خواب او در لب ساحل دریا به تصویر درآمد. به این ترتیب، بازتابی از خاطره در تلاقی با واقعیت نمایش داده شد.

**با این اوصاف، سبک و ژانر فیلم را چگونه معرفی می‌کنید؟**  
سبک فیلم به سورئالیسم تنه می‌زند ولی ژانر آن درام روانشناختی است.

**آیا بازیگر هر سه اثر یک نفر است؟**

قرار بود که در فیلم اول نیز خانم الهه بخشی بازی کنند، اما متأسفانه حضور نداشتند. ولی بازیگر فیلم دوم و سوم، ایشان هستند.

**آیا در این اثر از جلوه‌های ویژه یا تکنیک خاصی استفاده شده است؟**

خیر، تأکید من بر این بود که به دلیل وقت‌گیر و پرهزینه بودن جلوه‌های ویژه، همچنین برای حفظ کنترل حس بازیگر و چیدمان صحنه، هیچ جلوه ویژه‌ای به کار نگیریم. تمامی دکورها ساخته شدند؛ برای مثال، اتاق خواب در لب ساحل به صورت چارچوبی بدون دیوار و با چیدمان وسایل ساخته شد، به گونه‌ای که انگار دیواری وجود ندارد.

**به نظر می‌آید که با یک تولید لو‌باجت روبرو نیستیم.**

هرچند که فیلم یک پروژه کم هزینه نیست اما در دسته فیلم‌های کوتاهی که این روزها با هزینه‌های میلیاری ساخته می‌شوند نیز قرار نمی‌گیرد. خوشبختانه بیشتر عوامل کار در نهایت همراهی و با حداقل دستمزد در پروژه حضور داشتند چون کار با استفاده از پس‌انداز شخصی و وام پیش رفت.

**مدت زمان فیلمبرداری چقدر بود و آیا در خصوص ساخت دکور در لوکیشن‌های عمومی با چالشی مواجه بودید؟**

فیلمبرداری در شش روز انجام شد و یک روز به دلیل ساخت دکور در تهران تعطیلی داشتیم. ما در واقع برای دکوری که در تهران ساخته بودیم، مجوز ناجی هنر را داشتیم و قصد داشتیم مجوز شهرداری را نیز اخذ کنیم. مسئولین شهرداری به دلیل عدم آشنایی با جزئیات پروژه، به صورت شفاهی اعلام موافقت کردند و گفتند که برای خیابان، مترو یا پارک مشکلی نیست و می‌توانید فیلمبرداری کنید. اشتباه ما این بود که موافقت‌نامه کتبی دریافت نکردیم. ما بالای میدان صنعت در محور شمال به جنوب که به تردد بسته است، ستون و داربست‌هایی اجرا کرده بودیم و وقتی در روز اول فیلمبرداری، مسئولین متوجه شدند که شرایط با آنچه تصور می‌کردند متفاوت است، یک روز فیلمبرداری متوقف شد تا مجوز کتبی شهرداری کسب شود. پس از آن، با تلاش دوستان، موافقت رسمی گرفته و مشکل برطرف شد. اما در شمال کشور، شرایط راحت‌تر بود. خوشبختانه یک ساحل ویلا اختصاصی پیدا کردیم بخصوص که برای من مهم بود خلوتی محیط حفظ شود و فقط کاراکتر اصلی در قاب دیده شود.

**فیلمسازی را چگونه آغاز کردید؟**

من مدرک فوق لیسانس مهندسی مکانیک از دانشگاه شریف دارم و تا سال ۱۳۹۴ در رشته مهندسی فعالیت می‌کردم و مسیر دیگری را در نظر داشتم. با این حال علاقه و رویای سینما همیشه در من وجود داشت و در مقطع کارشناسی ارشد احساس کردم که مسیر واقعی من سینماست. در سال ۱۳۹۴ به دوره‌های دو ساله انجمن سینمای جوان رفتم و آموزش فیلمسازی دیدم. البته پیش از آن سابقه نوشتن در زمینه داستان کوتاه داشتم و به خاطر علاقه‌ام به پژوهش در زمینه تاریخ هنر و تاریخ سینما در زمینه نقد نویسی نیز فعالیت می‌کردم. این پیش زمینه‌ها در کنار یک پایه آکادمیک به من کمک کرد تا در انتخاب مسیر سینما دیگر شکلی نداشته باشم و پس از آن، حتی یک روز هم در مهندسی مکانیک فعالیت نکردم و مستقیماً به سمت سینما آمدم.

**فیلم «ما قبل تاریخ» چگونه شکل گرفت و به چه موضوعی می‌پردازد؟**

این فیلم در واقع بخشی از یک سه‌گانه است که محور مشترک آن‌ها، مسئله درام روانشناختی است. هر سه فیلم، سایکودرام یا یک درام روانشناختی را به تصویر می‌کشند که در آن یک کاراکتر زن درگیر مسائلی در این زمینه است. در فیلم سوم یعنی «ما قبل تاریخ» شخصیت دچار ترومای حاصل از سوگ از دست دادن پارتنرش است. این فقدان باعث به هم ریختگی ذهنی او شده است. در تمامی این سه فیلم، فضا و زمان نه بازتابی از واقعیت بلکه بازتابی از ذهن کاراکتر هستند. فیلم «ما قبل تاریخ» در امتداد دو فیلم قبلی ساخته شد و هدف من این بود که یک تجربه‌ی فرمی در لوکیشن، فضا و زمان داشته باشم؛ به گونه‌ای که بازیگر اصلی، خانه خود را نه در فضایی بسته، بلکه در مکان‌هایی که از آنها خاطره دارد، مشاهده کند.

